
زندگی روزمره‌ی تہی‌دستان شہری

۱۳۹۰-۱۳۹۲

علیرضا صادقی



فهرست

۷	سپاسگزاری
۹	مقدمه
۱۳	فصل یکم: نظریه و روش
۱۳	چرخش نولیبرالی
۱۷	مروری بر مطالعات تهی‌دستان
۲۶	سیاست تهی‌دستان شهری
۳۱	پیشروی به قلمروهای غیررسمی
۳۴	عمل روزمره
۳۹	روش‌شناسی
۴۳	فصل دوم: پوپولیسم نولیبرال
۴۵	گذار به پوپولیسم نو
۶۱	تعدیل ساختاری؛ تداوم یا برجیدن آن؟
۶۷	«انقلاب اقتصادی» و بسیج تهی‌دستان
۷۵	مبارزات آرام در حاشیه‌ها
۸۲	نتیجه‌گیری
۸۵	فصل سوم: خیریه‌ای شدن بقا
۸۶	عقب‌نشینی بزرگ
۸۹	خیریه‌ها
۹۲	تشکل‌های رسمی
۱۰۳	فعالیت‌های مردمی
۱۱۰	جنبشی برای تهی‌دستان؟
۱۱۷	عصبیان
۱۲۹	نتیجه‌گیری

۱۳۱	فصل چهارم: دفاع از روشنایی خانه‌ها
۱۳۲	مخالفت
۱۳۵	کارشکنی و اخلال
۱۳۷	دستاورد
۱۳۹	رویارویی روزمره
۱۴۵	مقاومت شکننده
۱۵۳	نتیجه‌گیری

۱۵۵	فصل پنجم: خودمانی‌سازی بازار
۱۵۶	بازاری برای تهی‌دستان
۱۶۵	تهی‌دستان، دولت و آزادسازی
۱۷۲	تنش و تعارض
۱۷۷	شورش خاموش نان
۱۸۴	فروپاشی بازار خودمانی؟
۱۸۵	نتیجه‌گیری

۱۸۹	فصل ششم: پیشروی در روزهای سخت
۱۹۰	پیشروی افقی
۲۰۱	پیشروی عمودی
۲۱۴	مصادره‌ی بازار غیررسمی
۲۲۳	گسترش اجاره‌نشینی
۲۲۷	تهی‌دستان و «مسکن مهر»
۲۳۱	نتیجه‌گیری

۲۳۳	فصل هفتم: موتورسواران معیشتی: شورشیان جدید خیابان
۲۳۵	هجوم
۲۴۰	فضاهای کار
۲۴۳	شیوه‌های امرار معاش
۲۴۶	معیشتی‌شدن خیابان؛ تناقض‌ها و تضادها
۲۴۹	رویارویی
۲۵۳	مقاومت در برابر خلع‌بد
۲۵۶	«ریاضت اقتصادی» در کف خیابان
۲۶۱	سیاست تدافعی
۲۶۲	نتیجه‌گیری

۲۶۵	بحث پایانی: بازاری‌شدن فزاینده‌ی قلمروهای غیررسمی
-----	---

فصل یکم



نظریه و روش

چرخش نولیبرالی

گسترش منطق نولیبرالی به واسطه‌ی اجرای «اصلاح اقتصادی و تعدیل ساختاری» تبعاتی برای فضاها‌ی شهری داشته است، که نظریه‌پردازان انتقادی آن را ذیل مفهوم «شهر نولیبرال» توضیح می‌دهند.^۱ شهر نولیبرال شهری بازارمحور است که بیش‌تر با منطق بازار شکل گرفته نه بر اساس نیازهای ساکنانش و بیش‌تر به منافع فردی یا شرکتی پاسخ می‌دهد تا دغدغه‌های عمومی. شهر نولیبرال با مقررات‌زدایی و خصوصی‌شدن فزاینده‌ی تولید، مصرف جمعی و فضای شهری تعریف می‌شود. در این منطق، به تعبیر هاروی، فضای شهری برای «جذب مازاد- سرمایه» کارکرد می‌یابد؛ جایی که در آن شهر عرصه‌ی فعالیت سرمایه‌دارانه برای تعقیب سود می‌شود و نه جایی که در خدمت نیازهای عامه‌ی مردم باشد. بدین معنی که دولت‌ها نقش کم‌تری را در شکل‌دهی به شهر ایفا می‌کنند؛ یا به نفع انباشت سرمایه عمل می‌کنند تا منافع ساکنان شهر. این تجدید ساختار نوین سبب تغییرات زیادی در

1. e.g. Margit Mayer, "The Right to the City in Urban Social Movements", in Neil Brenner, Peter Marcuse and Margit Mayer (eds.), *Cities for People, Not for Profit: Critical Urban Theory and the Right to the City* (N.Y.: Routledge, 2012).

«حامی‌پروری نولیبرالی» و «پوپولیس‌م حامی‌پرورانه» توضیح داده‌اند که چگونه از سازوبرگ‌های دولت برای «تحمیل اوامر بازار» به سود ذی‌نفعان قدرتمند استفاده می‌شود.^۱

امروزه تقریباً همه‌ی دولت‌ها «گونه‌ای از نظریه‌ی نولیبرالی» را پذیرفته‌اند و دست‌کم برخی از سیاست‌ها و روش‌های خود را طبق این نظریه تنظیم می‌کنند.^۲ این واقعیتی است که حکومتی که بازار را اصلاح می‌کند قصد یا توان آن را ندارد که اقتصاد آزاد تمام‌عیار را مستقر کند.^۳ از آنجایی که منظومه‌ای از نیروها در ظهور پدیده‌ها و رخداد‌های تاریخی دخیل است، جوامعی که به تعبیر بوردیو تحت «یورش» نولیبرالیسم قرار گرفته‌اند،^۴ به یک حد و شیوه آن را تجربه نکرده‌اند. همین واقعیت محققان را واداشته تا پویایی‌های نولیبرالیسم را جدی بگیرند و به جای یک نظام یکدست، همگون و جهان‌شمول به «نولیبرالیسم‌های واقعاً موجود»^۵ در بسترهای محلی، ملی و منطقه‌ای توجه کنند.^۶

هاروی از عدم قطعیت راه‌حل‌های نولیبرالی و شیوه‌های پیچیده‌ای می‌گوید که از طریق آن‌ها «نیروهای سیاسی، سنت‌های تاریخی و توافقات نهادی موجود، همگی، علت و نحوه‌ی وقوع عملی فرایند نولیبرالیسم‌سازی» را پدید می‌آورند.^۷ برخی نویسندگان پروژه‌ی تجدیدساختار اقتصادی در امریکای

۱. برای مطالعه‌ی بیشتر در باره‌ی تجارب نولیبرالیسم‌سازی در آفریقا، آسیا و امریکای لاتین نک. جوزف استیگلیتز، *جهانی‌سازی و مسائل آن*، ترجمه‌ی حسن گلریز (تهران: نی،

۱۳۸۲)؛ و هم‌چنین Richard Robison, *The Neo-Liberal Revolution: Forging Market State* (Palgrave, 2006).

۲. دیوید هاروی، *تاریخ مختصر نولیبرالیسم*: ۸.

3. Kurt Weyland, *The Politics of Market Reform in Fragile Democracies: Argentina, Brazil and Venezuela* (Princeton University Press, 2002).

4. Jeremy F. Lane, "Neo-liberalism as 'Imposition' and 'Invasion'?", in Jeremy F. Lane, *Bourdieu's Politics: Problems and Possibilities* (N.Y.: Routledge, 2006).

5. actually existing neo-liberalisms

6. Neil Brenner and Nik Theodor, "The Urbanization of Neoliberalism: Theoretical Debates, Cities and Geographies of Actually Existing Neoliberalism", *Antipode*, 34(3) (2002): 349-79.

۷. دیوید هاروی، *تاریخ مختصر نولیبرالیسم*: ۲۵.

قلمروهای کار/تولید، مصرف جمعی و زیست جهان‌ها می‌شود و پیامدهای وسیعی برای پیکربندی سیاست و فضای شهری دارد.^۱

شهر نولیبرال در اغلب دیدگاه‌های چپ شهری است تباه‌شده: جایی که سرمایه حاکم است، ثروتمندان بهره‌مندند و فرودستان به تله افتاده‌اند. شهری با نابرابری و بی‌تعدالی‌های شدید که حق شهر در آن ضایع شده است. از نظر هاروی، شهر نولیبرال شهری غارتگر است که به مدد سیاست‌های انباشت، طبقات پایین را چپاول می‌کند.^۲ دستاورد مهم و اصلی نولیبرالیسم، به جای تولید، بازتوزیع ناعادلانه‌ی ثروت و درآمد بوده است که از طریق سازوکارهای «انباشت از طریق سلب مالکیت» نظیر خصوصی‌سازی و کالایی‌سازی دارایی‌های عمومی، مالی‌سازی و بازتوزیع‌های دولتی به نفع طبقات بالاتر رخ می‌دهد.^۳ استدلال شده است که دولت نولیبرال به نفع احیا یا پیدایش قدرت طبقاتی و به هزینه‌ی طبقات پایین عمل می‌کند.^۴

مطالعات انجام‌شده درباره‌ی تجارب نولیبرالیسم‌سازی نشان می‌دهد که در مناطق مختلف جهان، به‌ویژه کشورهایی با پیشینه‌ی اقتصادی غیرلیبرال یا دولت‌هایی که دست‌و‌پا‌های آن‌ها را «سوداگر» می‌داند،^۵ یوتوپای اقتصاد آزاد طرح سلطه‌جویانه و ناعادلانه‌ای از آب درآمده است. شکاف‌های اجتماعی و طبقاتی گرچه پدیده‌ی جدیدی نیست، سرمایه‌داری نولیبرال عمق و شدت بیش‌تری به آن بخشیده است.^۶ برخی نویسندگان با طرح مفاهیمی مانند «سرمایه‌داری الیگارشیک»، «انحصارات تحت حمایت دولت»، «سرمایه‌داری رفاقتی»،

1. Asef Bayat, "Politics in the City-Inside-Out", *City & Society*, V. 24, Issue 2 (2012): 111.

۲. نک. دیوید هاروی، *تاریخ مختصر نولیبرالیسم*، ترجمه‌ی محمود عبدالله‌زاده (تهران: اختران، ۱۳۸۶) و دیوید هاروی، *معمای سرمایه و بحران‌های سرمایه‌داری*، ترجمه‌ی مجید امینی (تهران: کلاغ، ۱۳۹۳).

۳. دیوید هاروی، *تاریخ مختصر نولیبرالیسم*: ۲۲۲.

۴. همان: ۱۰۹.

۵. نک. ارناندو دسوتو، *راه دیگر*، ترجمه‌ی جعفر خیرخواهان (تهران: نی، ۱۳۸۹).

6. Asef Bayat, and Kees Biekart, "Cities of Extremes", *Development and Change*, 40(5) (2009): 815-825.